

وِترین‌های خاموش لوازم خانگی

صنعت لوازم خانگی در وضعیتی قرار گرفته که کاهش ظرفیت تولید، کمبود نقدینگی و وابستگی سنگین به مواد اولیه، آن را به فعالیت حداقلی و شکننده سوق داده است



روز کوچک‌تر می‌شود.

فعالان این صنعت معتقدند کارخانه‌ها اکنون تنها با حدود ۳۰ درصد ظرفیت واقعی خود فعالیت می‌کنند؛ مسئله‌ای که به معنای افزایش هزینه تمام‌شده و کاهش صرفه اقتصادی تولید است. وابستگی گسترده صنعت لوازم خانگی به مواد اولیه نیز بحران را تشدید کرده، زیرا حدود ۸۵ درصد بهای تمام‌شده این محصولات به قیمت نهاده‌های صنعتی وابسته است. کاهش فروش مواد اولیه، به‌ویژه در حوزه ورق فولادی و محصولات پتروشیمی، نشانه‌ای از رکودی عمیق در بخش تولید به شمار می‌رود. چنین شرایطی در حالی ادامه دارد که وزارت صنعت همچنان از تأمین مناسب مواد اولیه سخن می‌گوید؛ روایتی که با واقعیت بازار و گلابه گسترده تولیدکنندگان فاصله محسوسی دارد. بازار لوازم خانگی اکنون بیش از هر زمان دیگری تصویری از اقتصاد گرفتار تورم، محدودیت ارزی و فرسایش توان تولید داخلی را پیش چشم می‌گذارد.

فرسایش قدرت خرید

در امتداد فشارهای فزاینده بر هزینه‌های تولید و جهش مداوم قیمت‌ها، اکنون پیامد نهایی این روند در سطح بازار به‌صورت رکود در تقاضا و فرسایش قدرت خرید خانوارها آشکار شده؛ شرایطی که در آن، خرید لوازم خانگی برای بخش بزرگی از جامعه از یک تصمیم مصرفی معمولی به یک انتخاب دشوار و زمان‌بر تبدیل شده است. در چنین فضایی، بسیاری از خانوارها ناگزیر به جایگزینی تعمیر به‌جای خرید شده‌اند؛ رفتاری که بیش از آنکه نشانه صرفه‌جویی باشد، بازتاب مستقیم فشار تورمی بر معیشت است.

گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد حتی سازوکارهای اعتباری و فروش اقساطی نیز دیگر کارکرد پیشین خود را ندارند. کاهش ارزش واقعی تسهیلات خرید در برابر رشد قیمت کالاها، عملاً توان اثرگذاری این ابزارها را محدود کرده است. در نتیجه، خانوارهایی که پیش‌تر با استفاده از اقساط امکان تجهیز منزل را داشتند، اکنون با محدودیت‌های جدی مواجه‌اند و در بسیاری موارد، سقف اعتبار آتاپایی پاسخگوی حتی خرید چند قلم کالای اساسی نیست.

در سوی دیگر، فشار اقتصادی بر خانوارهایی که در آستانه تشکیل زندگی قرار دارند، نمود پررنگ‌تری یافته است. افزایش قیمت جهیزیه و کالاهای ضروری خانگی موجب شده تا بخش قابل توجهی از حمایت‌های مالی موجود،

از جمله وام‌های ازدواج، تنها پاسخگوی بخش کوچکی از نیاز واقعی باشد. این وضعیت، شکاف میان سیاست‌های حمایتی و واقعیت بازار را آشکارتر کرده است.

فعالان صنفی نیز از تثبیت یک‌رکود گسترده در بازار سخن می‌گویند؛ رکودی که هم‌زمان عرضه و تقاضا را تحت تأثیر قرار داده است. کاهش قدرت خرید، گردش مالی بازار را کند کرده و از سوی دیگر، افزایش هزینه‌های تولید و مواد اولیه، فشار مضاعفی بر قیمت‌ها وارد آورده است. براینده این دو نیرو، بازاری کم‌تحرک و فاقد افق روشن برای رشد کوتاه‌مدت است؛ اتحادیه‌ها و نهادهای نظارتی قیمت‌شده به معنای افزایش سود نیست، بلکه تنها نشانه‌ای از تعمیق ناپایداری ساختاری اقتصاد است.

سردرگمی در مرجع قیمت گذاری

ابهام در سازوکار کنترل قیمت‌ها در بازار لوازم خانگی، اکنون به یکی از محوره‌های اصلی بحث میان تولیدکنندگان، اتحادیه‌ها و نهادهای نظارتی تبدیل شده است. در حالی که تورم عمومی اقتصاد کشور به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته‌شده، مسیر صعودی قیمت‌ها را توضیح می‌دهد، آنچه در بازار این کالاها رخ می‌دهد فراتر از روندهای معمول تورمی ارزیابی می‌شود؛ چرا که در برخی موارد، تغییر برچسب قیمت روی کالاهای موجود در انبار یا فروشگاه، به جهش‌های ناگهانی و بعضاً دوبرابری منجر شده است.

با وجود تشدید فشار بر تولید ناشی از هزینه‌های مواد اولیه و محدودیت‌های تأمین، بخش مهمی از کالاهای عرضه‌شده در بازار، تولید روز یا ماه‌های اخیر نیستند، بلکه از موجودی‌های قبلی انبارها تأمین می‌شوند. همین موضوع، پرسش‌هایی درباره منطق افزایش قیمت‌ها در شرایط رکود تقاضا ایجاد کرده است؛ رکودی که معمولاً باید به ثبات یا حتی کاهش قیمت‌ها منجر شود. نه افزایش‌های ناگهانی.

در این میان، اکبر یازوکی، رئیس اتحادیه لوازم خانگی، سازمان حمایت را مرجع اصلی قیمت‌گذاری کالاها در کشور معرفی می‌کند و معتقد است این نهاد باید نقش فعال‌تری در جلوگیری از بی‌ثباتی بازار ایفا کند. به گفته او، اتحادیه‌ها تنها در سطح نظارت صنفی عمل می‌کنند و اختیارات تعیین قیمت در سطح کلان را ندارند. این در حالی است که بخشی از تولیدکنندگان، افزایش هزینه مواد اولیه و پیامدهای ناشی از آسیب به زنجیره تأمین در دوره‌های بحرانی را عامل اصلی رشد قیمت‌ها عنوان می‌کنند.

احیای تقاضا با تسهیلات خرید

کاهش یابد و هم جریان تقاضا در بازار احیا شود. این سیاست در صورت اجرا می‌تواند نقش مکملی در کنار حمایت‌های تولیدی ایفا کند و بخشی از شکاف میان قیمت و توان خرید را کاهش دهد. با این حال، تحقق آن وابسته به هماهنگی نظام بانکی، سیاست‌های اعتباری و ظرفیت واقعی بازپرداخت در اقتصاد خانوار خواهد بود؛ موضوعی که خود نیازمند طراحی دقیق‌تر سازوکار اجرایی است.

پازوکی همچنین به اثرات جنگ ۴۰ روزه بر برخی صنایع مادر از جمله فولاد، مس و پتروشیمی اشاره کرده و تأکید دارد که دولت باید برای تأمین پایدار مواد اولیه تدابیر فوری اتخاذ کند. با این حال، او مدعی است روند هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول در هفته‌های اخیر تا حدودی سرعت گرفته است. هم‌زمان، اختلاف نظر میان نهادهای مختلف درباره منشأ افزایش قیمت‌ها، تصویر واحدی از مسئولیت‌پذیری در بازار ارائه نمی‌دهد؛ مسئله‌ای که خود به تشدید ابهام در افکار عمومی و فعالان اقتصادی منجر شده است.

بحران در زنجیره تأمین

در پی تشدید فشارهای ناشی از اختلالات تولید و محدودیت‌های تأمین مواد اولیه، فعالان صنعت لوازم خانگی ایران در روزهای اخیر نشست‌هایی را با مدیران صنعت فولاد کشور برگزار کرده‌اند تا راهکارهایی برای بهبود جریان تأمین یکی از کلیدی‌ترین نهادهای تولید بیابند. این گفت‌وگوها میان اعضای هیأت‌مدیره انجمن صنایع لوازم خانگی ایران و مدیرعامل فولاد مبارکه اصفهان، عمدتاً بر محور چالش‌های تأمین ورق فولادی، وضعیت تولید و امکان تقویت همکاری‌های میان‌صنعتی متمرکز بوده است.

این رایزنی‌ها در شرایطی انجام شده که به گفته فعالان این حوزه، بخشی از سفارش‌های ثبت‌شده پیش از جنگ هنوز از سوی فولاد مبارکه به واحدهای تولیدی تحویل نشده و همین مسئله فشار مضاعفی بر خطوط تولید وارد کرده است. تأخیر در تحویل مواد اولیه، در کنار محدودیت‌های ارزی و نبود امکان ثبت سفارش جدید، فضای تولید را با نوعی بالاکلفی عملیاتی مواجه کرده است. سعید رضوانی، عضو هیأت‌مدیره انجمن صنایع لوازم خانگی ایران، در تشریح وضعیت موجود اظهار کرده که صنعت لوازم خانگی با کمبود نقدینگی و توقف در تخصیص ارز مواجه است؛ شرایطی که عملاً توان تأمین مواد اولیه را برای بسیاری از واحدها محدود کرده است. او تأکید کرده که باز شدن مسیر ثبت سفارش و تخصیص ارز، پیش‌شرط تداوم فعالیت تولیدی در این صنعت محسوب می‌شود.

در سوی دیگر، سعید زرندی، مدیرعامل فولاد مبارکه اصفهان، با تأکید بر ضرورت هم‌افزایی میان صنایع در شرایط کنونی، اعلام کرده که مجموعه فولاد تلاش دارد با وجود محدودیت‌ها، تأمین نیازهای صنعت لوازم خانگی را بدون وقفه ادامه دهد و عقب‌ماندگی‌های تحویل نیز در اولویت جبران قرار دارد. با این حال، چالش تأمین ورق گرم و نیاز به واردات بخشی از مواد اولیه همچنان به‌عنوان یک مانع ساختاری باقی است.

با وجود این رایزنی‌ها، چشم‌انداز کوتاه‌مدت صنعت همچنان با ابهام همراه است؛ زیرا حتی در صورت بهبود نسبی در تأمین فولاد، وابستگی گسترده این صنعت به سایر نهادهای وارداتی و داخلی نشان می‌دهد که بازگشت به ثبات قیمتی، نیازمند اصلاحات عمیق‌تر در زنجیره تأمین و سیاست‌گذاری اقتصادی خواهد بود.

انسداد مسیر واردات

در شرایطی که سال‌هاست سیاست ممنوعیت واردات لوازم خانگی با هدف حمایت از تولید داخل اجرا می‌شود، بازار این کالاها همچنان با شکاف جدی میان عرضه و تقاضا، جهش قیمت‌ها و نارضایتی مصرف‌کنندگان مواجه است. تولیدکنندگان نیز بخشی از افزایش هزینه‌ها را به محدودیت دسترسی به مواد اولیه نسبت می‌دهند؛ موضوعی که خود به پیچیدگی وضعیت بازار افزوده است. در ادامه این سیاست‌ها، از اواسط اردیبهشت‌ماه امسال واردات محدود برخی اقلام از مسیرهای موسوم به کولبری نیز متوقف شد. این تصمیم که با هماهنگی انجمن صنایع لوازم خانگی و دفتر تخصصی وزارت صنعت، معدن و تجارت اتخاذ شده، شامل حذف واردات یخچال فریزر، ماشین لباسشویی و ماشین ظرفشویی از رویه‌های ملوانی و کوله‌بری است.

بر اساس اعلام رسمی، هدف از این اقدام، حمایت از تولید داخلی، ساماندهی بازار و جلوگیری از ورود کالا از مسیرهای غیررسمی عنوان شده و قرار است جزئیات اجرایی آن در قالب آیین‌نامه‌های بعدی مشخص شود. با این حال، در سطح بازار، این سیاست‌ها به افزایش نگرانی مصرف‌کنندگان درباره دسترسی به کالا و تداوم روند افزایشی قیمت‌ها دامن زده است.

در چنین فضایی، بخشی از خانوارها ناچار به جایگزینی خرید با تعمیر کالاهای موجود شده‌اند؛ رویکردی که خود نیز با افزایش هزینه مواجه شده است. تعمیرکاران از رشد قیمت قطعات، افزایش هزینه حمل‌ونقل و بالا رفتن دستمزد ها سخن می‌گویند؛ عواملی که نرخ خدمات را به‌طور قابل توجهی افزایش داده است.

اقتصاد



یادداشت
O P I N I O N



مهراد عباد

عضو هیأت نمایندگان اتاق ایران

تولید زیر سایه انسداد ارزی

اقتصاد ایران این روزها نه صرفاً با دشواری‌های متعارف تجاری، بلکه با نوعی اختلال ساختاری در زنجیره تأمین، سیاست ارزی و فرآیندهای پشتیبان تولید مواجه است؛ اختلالی که آرام‌آرام خود را از بنادر، سامانه‌های ثبت سفارش و اتاق‌های تخصیص ارز، به خطوط تولید، بازار مصرف و در نهایت سفره خانوارها منتقل می‌کند. هرچند طی ماه‌های اخیر برخی تسهیلات گمرکی برای ترخیص کالا با حداقل اسناد فراهم شده و دولت تلاش کرده نشانه‌هایی از تسهیل تجارت خارجی ارائه دهد، اما واقعیت میدانی نشان می‌دهد که گره اصلی همچنان در سازوکار تخصیص ارز و کندی تصمیم‌گیری‌های بانک مرکزی باقی مانده است. تداوم این وضعیت، خطر کاهش محسوس ورود مواد اولیه و افزایش شتابان هزینه تولید را به یکی از جدی‌ترین تهدیدهای پیش‌روی اقتصاد کشور تبدیل کرده است.

بخش قابل توجهی از فعالان اقتصادی معتقدند سیاست «واردات بدون انتقال ارز» هنوز از سطح بخشنامه و وعده فراتر نرفته و در عرصه اجرا، با موانع متعدد اداری و محدودیت‌های سامانه‌ای روبه‌روست. بسیاری از واردکنندگان با سابقه و شناسنامه‌دار همچنان امکان ثبت سفارش مؤثر ندارند و مانگا‌های کوچک و متوسط نیز عملاً در صف‌های فرسایشی تخصیص ارز متوقف مانده‌اند. اهمیت این بحران زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم سهم عمده واردات کنونی کشور را نه کالاهای مصرفی نهایی، بلکه مواد اولیه، تجهیزات صنعتی و ماشین‌آلات تولید تشکیل می‌دهد. هرگونه وقفه در تأمین این اقلام، مستقیماً ظرفیت تولید داخلی را فرسوده می‌کند و پیامد نهایی آن چیزی جز تشدید تورم، کاهش قدرت خرید و افزایش فشار معیشتی بر شهروندان نخواهد بود.

هم‌زمان، تجارت خارجی ایران زیر سایه محدودیت‌های فزاینده حمل‌ونقل و فشارهای منطقه‌ای، با نوعی محاصره خاموش روبه‌رو شده است. تمرکز دولت بر تأمین کالاهای

اساسی، اگرچه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود، اما در عمل موجب شده بخش مولد اقتصاد در حاشیه تخصیص منابع قرار گیرد. کاهش شدید تعداد کشتی‌های فعال در مسیرهای منتهی به ایران، معطلی طولانی کانتینر‌ها در بنادر منطقه، به‌ویژه جبل‌علی، و توقف چندماهه برخی محموله‌ها، نشانه‌های آشکار این اختلال فزاینده است. بحران در حوزه کالاهای خطرناک و مواد شیمیایی صنعتی نیز ابعاد نگران‌کننده‌تری پیدا کرده و انتقال بسیاری از اقلام مورد نیاز کارخانه‌ها عملاً متوقف شده است؛ رخدادی که می‌تواند در ماه‌های آینده بخشی از صنایع کشور را با افت تولید یا حتی توقف خطوط عملیاتی مواجه کند.

چنین شرایطی در حالی ادامه دارد که هزینه حمل‌ونقل دریایی نیز جهشی کم‌سابقه را تجربه می‌کند. بهای انتقال یک کانتینر از امارات به ایران که تا سال گذشته حدود ۵۰۰ دلار بود، اکنون در مواردی به ۱۰ هزار دلار رسیده است؛ افزایشی که نه تنها سودآوری تولید، بلکه اصل استمرار فعالیت بسیاری از واحدهای صنعتی را تهدید می‌کند.

“

افزایش قیمت لوازم خانگی در برابر درآمد ثابت خانوارها، مصرف را از سطح تصمیم اقتصادی به سطح انتخاب‌های اضطراری کشانده و تعمیر را جایگزین خرید کرده است